جزوه جمع بندی فلسفه دوازدهم

مبحث: درس ۵ و ۶

جزوه جمع بندي درس ۵ و ۶ فلسفه دوازدهم

خدا در فلسفه

خدا از ديد افلاطون:

۱-كار خدا هدف دار است

۲-يک خداي معين است نه چند خدايي يوناني.

۳-در چند خدايي خلقت آگاهانه معنا ندارد و همان كفر و بي ايماني است.

۴- نوعي از هستي كه پيوسته و ثابت است.

۵-نمي‌زايد و نمي‌ميرد. نه چيزي به خود راه ميدهد و نه در چيزي فرو ميشود.

۶- از طريق قواي حسي ۵گانه قابل درک نيست بلكه با **تفكر و تعقل** درک مي‌شود.

خدا از ديد ارسطو:

۷- هر جا كه يک خوب تر و بهتر هست، بايد يک بهترين هم باشد؛ آن بهترين ، واقعيت الهی است.

۸- در اثبات وجود خدا ميگه: بايد يک وجود مجرد از ماده و جاويدان باشه تا نظم و انتظام هم در جهان برقرار باشه.

۹- محرک غير متحرک، ضرورتا موجود، تغيير ناپذير، فعليت تام، كامل بالذات و دارای عاليترين انديشه از صفات خداوند از ديد ارسطو است.

۱۰- دكارت ميگه يه موجود نامتناهي عليم قدير همه چيزرو خلق كرده ولي اون من يا ساير موجودات نيستيم و همينطور اين تصور من از همون موجود، نامتنهاييه كه خداست.

بنا به نظر كانت:

۱۱- زندگي جمعي انسان ها بر پايه اصول اخلاقيه.

۱۲.وظيفه اخلاقي فقط براي موجودات داراي اراده معناداره و اين اراده ويژگي روح است.

۱۳. روح مجرد جاودانه براي سعادت خود به جهاني ماوراء اين جهان نياز داره كه اون هم مشروط به وجود خداي نامتناهي است.

۱۴. هيوم ميگه دلايل صرف عقلي مردودند و بايد از*تجربه* گرفته شده باشند.

۱۵.مهم ترين برهاني كه هم عقلي و هم تجربي مطرحه، برهان نظمه كه اين برهان توانايي اثبات يک واجب الوجود بالذات ازلي و ابدي رو نداره و فقط ميتونه يک ناظم و مدبر رو اثبات كنه.

۱۶. تجربه گرایان میگفتند یا خدا نیست یا نمیتونیم اون رو اثبات کنیم.

۱۷. ویژگي هاي زندگي معنادار:۱-زندگي داراي هدف.۲- " سرشار از ارزش هاي اخلاقي ۳- دادن اطمينان نسبت به آينده ۴-القاي حس آرامش برتر به فرد.

۱۸. مزیت قبول خدا (کاتینگهام) ۱-باارزش و اهمیت کردن زندگي انسان ۲-جهان را تبدیل به مامن و پناهگاهي براي انسان ميكنه.۳ - عامل اصلي معنا بخشي به زندگي انسان.

۱۹. فیلسوف با هر دینی، زمانی فیلسوف به شمار می‌آید که از روش استدلال استفاده کند.

۲۰. وجود علت مقدم بر معلول، و وجود معلول مشروط به وجود علت است.

۲۱. بنابراین سلسله موجودات نیاز به علتی دارد که خود معلول نباشد که به آن واجب الوجود و علت العلل میگویند.

۲۲. موجودات جهان ذاتا نسبت به وجود و عدم مساويند(ممكن الوجودند)و از طرفي ممكن الوجود بالذات براي وجود يافتن به چيزي نياز داره كه ذاتا واجب الوجود باشه. پس موجودات نيازمند واجب الوجود بالذات براي وجود يافتن هستن.

۲۳. ابن سينا اشتياق فطري اي كه باعث ميشه ما خوبي ها رو دوست داشته باشيم و از بدي ها گريزان باشيم رو عشق ميگه **و اين عشق سبب بقاي ممكنات ميدونه**. و در واقع عشق انسان ها به هم از اين عشق الهي ناشي ميشه.

۲۴. اعتقاد به خدايي كه از طريق *منطق و استدلال* به وجودش پي برده باشيم به زندگي انسان معنا ميدهد.

۲۵. معيارهاي زندگي معنادار اينه كه انسان:

۱-بفهمه كه جهان غايتمنده و توضيحش بده

۲- " " انسان هدفمنده و اون هدف رو مشخص كنه

۳-براي گرايش انسان به خير ما به ازايي واقعي قائل بشه

۴-آرمان هاي فرامادي رو برتر بدونه و قبول كنه

۵-احساس تعهد و مسئوليت در برابر وجود برتر كنه.